

Evaluation of Intelligent Information System based on User Cognitive Features (Case Study: E-learning Environment)

Somayeh Fatahi*

PhD in Computer Engineering (AI); Assistant Professor; Iranian Research Institute for Information Science and Technology (IranDoc) Email: fatahi@irandoc.ac.ir

Manouchehr Moradi Sabzevar

PhD in Computer Engineering (AI); Associate Professor; School of Electrical and Computer Engineering; university of Tehran; Email: moradih@ut.ac.ir

Iranian Journal of
**Information
Processing and
Management**

Iranian Research Institute
for Information Science and Technology
(IranDoc)

ISSN 2251-8223

eISSN 2251-8231

Indexed by SCOPUS, ISC, & LISTA

Vol. 34 | No. 2 | pp. 585-608

Winter 2019



Received: 30, Jul. 2017 Accepted: 17, Sep. 2017

Abstract: One of the most important goals of information systems is to provide services based on users' cognitive characteristic. This increases the system efficiency, user satisfaction and interest in the use of information systems. Since e-learning has been widely used around the world in human-computer interaction domain, in this research the e-learning environment has been chosen to evaluate the model.

The goal of this research is performance evaluating of an intelligent e-learning system compared with a simple e-learning system. The intelligent e-learning system which is based on user's personality dimension and emotion. In this research, the intelligent e-learning system uses a specific model. The model considers desirability as an important variable to calculate emotions and interact with users based on this model. The model can detect users' emotion based on personality dimension, user' goals, and environmental event. Evaluating of the model is in two steps: the first step is checking generality of the model in different learning domains and the second one is to determine whether presenting suitable actions to users after predicting their emotion status has an influence on satisfaction and learning rate or not.

In the first step, the model has been evaluated in two real e-learning environments which are designed to teach: "Introduction to computing systems and programming" course and "English language vocabulary". The results show that accuracy in predicting desirability in emotion module in e-learning environments with different materials learning are the same and they confirm the generality of the model.

In the second step, two e-learning environment is designed to teach English vocabulary. The e-learning environment has been implemented

* Corresponding Author

in two versions, i.e. a basic system with no intelligence and an intelligent system which can predict a user's desirability. The intelligent e-learning environment acts according to the user's status based on her/his desirability. The results in this step show that users believe the intelligent environment is believable and more attractive than the basic one. Also, they express this environment can understand their emotional status and react based on it, and it can improve their learning process.

Keywords: Information System, Personality, Emotion, Desirability



ارزیابی سامانه اطلاعاتی هوشمند

بر اساس ویژگی‌های شناختی کاربر

(مطالعه موردی: محیط یادگیری الکترونیکی)

سمیه فتاحی

دکتری مهندسی کامپیوتر؛ هوش مصنوعی و رباتیک؛
استادیار؛ پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)؛
پدیدآور رابط fatahi@irandoc.ac.ir

منوچهر مرادی سبزواری

دکتری مهندسی کامپیوتر؛ هوش مصنوعی و رباتیک؛
دانشیار؛ دانشگاه تهران moradih@ut.ac.ir



دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۸ | پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۶ | مقاله برای اصلاح به مدت یک روز نزد پدیدآوران بوده است.

فصلنامه | علمی پژوهشی

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)

شاپا (چاپی) ۲۲۵۱-۸۲۲۳

شاپا (الکترونیکی) ۲۲۵۱-۸۲۳۱

نماینده در SCOPUS، ISC، LISTA، و

jipm.irandoc.ac.ir

دوره ۳۴ | شماره ۲ | صص ۵۸۵-۶۰۸
زمستان ۱۳۹۷



چکیده: یکی از اهداف ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی ارائه خدمات متناسب با ویژگی‌های شناختی کاربران آن است. این امر باعث افزایش بهره‌وری سامانه، رضایت کاربران و علاقه‌مندی آنان به استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی می‌گردد. با توجه به این که آموزش و یادگیری الکترونیکی، یکی از پرکاربردترین حوزه‌های ارتباط انسان با رایانه و ارائه اطلاعات است، بستر پیاده‌سازی و ارزیابی این پژوهش در محیط یادگیری الکترونیکی است.

هدف پژوهش حاضر، ارزیابی کارایی یک سامانه یادگیری الکترونیکی هوشمند در مقایسه با یک سامانه یادگیری الکترونیکی ساده است. سامانه یادگیری الکترونیکی هوشمند سامانه‌ای است که مطابق با ویژگی‌های شخصیتی و احساسی کاربر عمل می‌کند. در این پژوهش سامانه یادگیری الکترونیکی هوشمند از مدلی استفاده می‌کند که در آن میزان خوشایندی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرها در تعیین احساسات محاسبه و بر اساس آن با کاربران تعامل انجام می‌شود. مدل به کاررفته، مدلی است که توانایی تشخیص خوشایندی کاربران را بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، اهداف یادگیرنده و رویدادهای محیط یادگیری دارد. ارزیابی مدل در دو گام انجام می‌گیرد: گام اول، تعیین این که آیا مدل در محیط آموزش الکترونیکی با محتواهای گوناگون آموزشی قابلیت کاربردپذیری دارد؛ و گام دوم این که ارائه راهبردهای مناسب به کاربران پس از پیش‌بینی وضعیت احساسی آن‌ها بر اساس میزان خوشایندی، تأثیری بر وضعیت

رضایت و میزان یادگیری کاربران داشته است یا خیر. ارزیابی مدل در گام اول، در دو سامانه آموزش درس «مبانی کامپیوتر و برنامه‌سازی» برای دانشجویان رشته مهندسی کامپیوتر «دانشگاه تهران» و آموزش لغات زبان انگلیسی به صورت عمومی برای تمام افراد انجام گرفت. نتایج نشان داد که قدرت پیش‌بینی میزان خوشایندی در مؤلفه احساس در محیط‌های آموزشی با محتوای گوناگون آموزشی یکسان است و قابلیت تعمیم مدل تأیید شد. در گام دوم، دو سامانه آموزش لغات زبان انگلیسی در دو نسخه ساده و هوشمند مورد بررسی قرار گرفت. در نسخه هوشمند، خوشایندی به صورت خودکار تشخیص داده می‌شود و سامانه متناسب با آن، واکنشی را درخور وضعیت کاربر ارائه می‌کند و اطلاعات را نمایش می‌دهد. نتایج مقایسه دو سامانه اطلاعاتی هوشمند و ساده نشان داد که کاربران، سامانه هوشمند را جذاب‌تر و نزدیک‌تر به ویژگی‌های شخصیتی‌شان می‌دانند. همچنین، آن‌ها تأیید کردند که سامانه هوشمند، وضعیت احساسی آن‌ها را به خوبی درک کرده و متناسب با آن واکنش نشان داده است و این سامانه می‌تواند در بهبود فرایند یادگیری آن‌ها مؤثر واقع شود؛ زیرا نحوه ارائه اطلاعات بر اساس ویژگی‌های شناختی کاربران صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: سامانه اطلاعاتی، شخصیت، احساس، خوشایندی

۱. مقدمه

از روزهای نخستین ظهور رایانه‌ها همواره دغدغه پژوهشگران این بوده که بتوانند به روش فهم انسان از دنیای پیرامونش پی ببرند؛ این که انسان چگونه و با چه ساختاری اطلاعات را دریافت و درک می‌کند و به حل مسائل می‌پردازد. هدف آن‌ها از فهم انسان، کمک به وی برای دریافت بهتر و کارا تر اطلاعات و افزایش کارایی وی است. امروزه، پژوهشگران بر این باورند که در حوزه تعامل انسان و نظام‌های رایانه‌ای، رایانه‌ها تنها بجای پاسخگویی به فرمان‌های کاربران می‌بایست دارای واسط‌های کاربری تعاملی نیز باشند تا دریافت اطلاعات و کارایی کاربران افزایش یابد (Hedman and Sharafi 2004; Karray et al. 2008; Zeng et al. 2009). جهت ارتقای کیفیت واسط‌های کاربری، آن‌ها می‌بایست توانایی تشخیص و دنبال کردن رفتار کاربران، به ویژه رفتار عاطفی آن‌ها را داشته باشند و متناسب با آن‌ها واکنش نشان دهند (Zeng et al. 2009). از آن رو که یکی از زمینه‌های بسیار پر کاربرد رایانه‌ها، در دوره‌های آموزش الکترونیکی است، تمرکز این

پژوهش جهت ارائه و آزمایش مدل بر این بستر است. واضح است که در محیط‌های آموزش الکترونیکی، یک چالش اساسی این است که این محیط‌ها از پویایی لازم برخوردار نیستند و معمولاً فاقد ویژگی‌های شناختی یک کلاس درس واقعی هستند. آن‌ها نمی‌توانند به‌طور خودکار تشخیص دهند که یادگیرندگان چقدر آموخته‌اند، چه چیزی آن‌ها را هیجان‌زده می‌کند، در چه وضعیت انگیزشی قرار دارند، و کدام شیوه آموزشی می‌تواند نرخ یادگیری آن‌ها را افزایش دهد.

فرد یادگیرنده همواره طی فرایند آموزش، دچار تغییر حالات احساسی می‌گردد. این تغییرات در فرایند یادگیری به تفاوت‌های فردی یادگیرنده و رویدادهایی که در محیط یادگیری اتفاق می‌افتد، بستگی دارد (Chalfoun, Chaffar & Frasson 2006). احساس‌های مثبت در ساختار شناختی و فرایندهای تفکر نقش اساسی دارند و نقش مهمی را در بهبود خلاقیت و انعطاف‌پذیری برای حل مسئله ایفا می‌کنند. متقابلاً، احساس‌های منفی می‌توانند فرایند تفکر را مسدود کرده و مانع از استدلال شوند (Chaffar and Frasson 2004). به‌عنوان مثال، دانش‌آموزانی که خسته یا مضطرب هستند، بر روی مطالب درسی تمرکز ندارند و نمی‌توانند خوب فکر کنند (Kort and Reilly 2002; Jessee, O'Neill & Dosch 2006). به این دلیل، در محیط‌های آموزش الکترونیکی باید وضعیت‌های احساسی یادگیرنده در نظر گرفته شود (Chaffar and Frasson 2004).

از سوی دیگر، انسان‌ها دارای شخصیت‌های متفاوتی هستند و این تفاوت شخصیت افراد در انجام کارها و فعالیت‌های روزانه آن‌ها تأثیرگذار است. انسان‌ها با شخصیت‌های مختلف، احساس‌های متفاوتی را در برخورد با یک واقعه بروز می‌دهند. شخصیت یادگیرنده روی شیوه یادگیری او تأثیر خواهد گذاشت (Du, Zheng, Li & Yuan 2005). هر فرد متناسب با شخصیتی که دارد، شیوه یادگیری خاصی می‌طلبد، و روش آموزشی به‌کاررفته در مورد هر یادگیرنده با یادگیرنده دیگر متفاوت است.

از این رو، گسترش دهندگان نظام‌های آموزش الکترونیکی می‌بایست تمرکز خود را بر روی طراحی واسط‌های کاربری تعاملی و تحلیل نیازهای کاربران بگذارند. توجه به عامل‌های شناختی یادگیرنده یکی از مهم‌ترین عواملی است که باید در این نوع سیستم‌ها لحاظ شود. زمانی که شخصیت، احساس و تفاوت‌های فردی یادگیرندگان توسط سیستم شناسایی شود و سیستم متناسب با آن‌ها با یادگیرندگان تعامل برقرار نماید، یادگیرندگان به آنچه که می‌آموزند بیشتر علاقه‌مند می‌شوند و احساس می‌کنند فرایند

آموزش معنادار است.

در پژوهشی که اخیراً توسط نویسندگان این مقاله صورت گرفته و نتایج آن چاپ شده، مدلی ریاضی ارائه شده که با توجه به ویژگی‌های شخصیتی، اهداف یادگیرنده و رویدادهای محیط یادگیری، امکان پیش‌بینی احساس در آن با دقت قابل قبولی وجود دارد (Fatahi and Moradi 2016). مدل پیشنهادی طراحی، پیاده‌سازی و آزمایش شده است، اما سؤالی که باقی مانده، این است که آیا صرفاً طراحی مدل تعیین احساس بر اساس اهداف و شخصیت کاربر، به تنهایی کافی است؟ از آنجا که پاسخ این سؤال منفی است، بر آن شدیم که مدل را در محیط‌های یادگیری الکترونیکی با محتواهای گوناگون آموزشی بررسی کنیم تا صحت مدل بیش از پیش مورد تأیید قرار گیرد. همچنین، بررسی بازخوردی که سامانه هوشمند متناسب با وضعیت کاربر بر اساس شخصیت و احساس وی ارائه می‌دهد، مورد نظر این پژوهش است؛ و این که آیا مدل می‌تواند نتایج بهتری را در مقایسه با سامانه‌های غیرهوشمند در افزایش رضایت کاربران داشته باشد یا خیر. در واقع، پژوهش حاضر با تکیه بر Fatahi and Moradi (۲۰۱۶)، دو سؤال را مورد بررسی قرار می‌دهد:

- ◇ آیا آزمایش مدل خوشایندی^۱ در محیط آموزش الکترونیکی با زمینه‌های گوناگون آموزشی قابلیت تعمیم دارد؟ به بیان دیگر این که آیا می‌توان مدل تعیین احساس و یا در واقع، میزان خوشایندی را در محیط‌های گوناگون آموزشی به کار گرفت و قابلیت کاربردپذیری برای این مدل با محتواهای گوناگون آموزشی وجود دارد یا خیر؟
- ◇ ارزیابی کارایی مدل خوشایندی بر اساس شخصیت چگونه است؟ به بیان دیگر، آیا به کارگیری مدل‌هایی که توانایی تشخیص احساس کاربر را بر اساس شخصیت داشته باشند، تأثیری بر رضایت و میزان یادگیری کاربران دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

این بخش شامل دو قسمت است: در قسمت اول، تعاریف مربوط به شخصیت و احساس از دیدگاه روان‌شناسی مطرح می‌شود. سپس، مدل‌های روان‌شناسی پرکاربرد و مورد استفاده شخصیت و احساس در دنیای علوم کامپیوتر بیان می‌شوند، و در قسمت دوم،

1. desirability

پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده و در آن‌ها احساس و شخصیت کاربران در طراحی نظام‌های رایانه مورد توجه محققان بوده، شرح داده می‌شوند.

۲-۱. تعاریف

از دیدگاه روان‌شناسان تعاریف گوناگونی برای شخصیت مطرح شده است. از نظر «شولتز و شولتز» به جنبه‌های داخلی و خارجی نسبتاً پایدار و منحصر به فرد ویژگی‌های شخصی هر فرد که روی رفتار او در وضعیت‌های گوناگون تأثیر می‌گذارد، شخصیت گفته می‌شود (Schultz & Schultz 2016).

پژوهش‌های جامع فیزیولوژی شناختی نشان می‌دهند که افراد با شخصیت‌های متفاوت، تفاوت‌های فردی قابل توجهی در درک و ارزیابی اطلاعات، حل مسائل، و تصمیم‌گیری دارند (Abrahamian et al. 2004; Durling, Cross & Johnson 1996; Li et al. 2007; Yeung, Read & Schmid 2012). ابزارهای گوناگونی جهت تعیین شخصیت افراد طراحی شده است. پرسشنامه^۱ MBTI که وسیله ارزیابی نظریه شخصیت «یونگ»^۲ است، اولین بار توسط «ایزابل مایرز-بریگز»^۳ و «کاترین بریگز»^۴ در سال ۱۹۲۰ ابداع شد (Durling Cross & Johnson 1996; Schultz & Schultz 2016). MBTI، اولویت‌های افراد را با چهار زوج از توابع ذهنی اندازه‌گیری می‌کند (Johnson 1996; Schultz & Schultz 2016; Jessee, O'Neill & Dosch 2006; Yeung, Read & Schmid 2012; Higgs 2001). افراد بر اساس توابع MBTI در هر تابع به سمت یکی از دو حالت ممکن گرایش پیدا می‌کنند. این ابعاد شامل درونگرایی/برونگرایی، حسی/شهودی، احساسی/فکری و قضاوتی/ادراکی است. از ترکیب چهار تابع دو حالتی پرسشنامه MBTI، شانزده نوع شخصیت ایجاد می‌شود که هر فرد با تکمیل پرسشنامه در یکی از این گروه‌ها تقسیم‌بندی می‌شود (Pittenger 1993; MBTI website). به‌عنوان مثال، اختصار ISTJ^۵ بیانگر مفهوم نوع شخصیتی است که فرد در آن درونگرا، حسی، فکری، و قضاوتی است. خصوصیات شخصیتی نوع ISTJ به‌عنوان مثال، در پیوست ۱، آمده است. قابل ذکر است که تمرکز این پژوهش بر استفاده از مدل MBTI است که در بین مدل‌های شخصیت از جمله مدل‌های پر کاربرد در دنیای علم رایانه است (Fatahi, Moradi & Kashani-Vahid 2016).

1. Myers-Briggs Type Indicator (MBTI)

2. Jung

3. Isabel Briggs Myers

4. Katharine Briggs Myers

5. Introverted, Sensing, Thinking, Judging (ISTJ)

احساس، یکی از جنبه‌های مهم مرز میان رفتار و شناخت، و واکنش ما نسبت به دنیای پیرامون است و درک احساس، به منزله درک واکنش ما نسبت به دنیای اطراف است (Viscott 1990). واضح است که احساس، نقش مهمی در هوش انسانی، تصمیم‌گیری، تعاملات اجتماعی، درک، حافظه، و خلاقیت بازی می‌کند. از آنجا که تمرکز پژوهش حاضر بر ارزیابی مدل احساس در محیط‌های آموزش الکترونیکی است، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا رابطه‌ای بین احساس و یادگیری وجود دارد؟ مطالعات اخیر در علوم شناختی نشان می‌دهد که احساس با فرایندهای شناختی مثل توجه، حافظه، ادراک و تصمیم‌گیری ارتباط دارد (Damasio, 1994; Lewis, Haviland-Jones & Barrett 2010). بررسی‌ها نشان داده است که به همان اندازه که هوش در یادگیری مؤثر است، احساس، میزان علاقه و نگرش افراد نسبت به موضوع در فرایند یادگیری تأثیرگذار است (Kort and Reilly 2002; Ghali and Frasson 2010; Damasio 1994). محققان معتقدند که احساس‌ها بر یادآوری مطالب، یادگیری و تصمیم‌گیری تأثیر دارند (Kort and Reill 2002; Chaffar, Cepeda & Frasson 2007). بهترین مدعی این مسئله آن است که وقتی افراد دارای احساس‌های منفی مانند ترس، افسردگی، اضطراب و خشم می‌شوند، یادگیری به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد. در مقابل، زمانی که افراد دارای احساس‌های مثبت همچون اعتماد به‌نفس بالا، انگیزه زیاد و احساس مسئولیت باشند، فرایند یادگیری آسان می‌شود (Chalfoun, Chaffar & Frasson 2006; Chaffar and Frasson 2004; Jessee, O'Neill & Dosch 2006; Meyer and Turner 2006). بنابراین، بین احساس و یادگیری افراد و میزان یادگیری رابطه وجود دارد. مدل‌های گوناگونی برای احساس طراحی شده است. مدل احساس مورد استفاده در این پژوهش مدل OCC¹ است که در بسیاری از پژوهش‌های هوش مصنوعی مورد استفاده قرار گرفته است (Vinayagamoorthy et al. 2006; El Jed Mehdi, Julie & Bernard 2004; Egges, Kshirsagar & Magnenat-Thalmann 2004; Dang and Duhaut 2009; Dang, Letellier-Zarshenas & Santos et al., 2011; Li, Wang & Zhang 2011; Duhaut 2008). این مدل، ۲۲ نوع احساس را در قالب سه دسته تعریف می‌کند (Ortony 1990) از نقاط قوت مدل OCC، مجموعه کاملی از متغیرهاست که شدت احساس‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از مهم‌ترین متغیرها که احساس‌های دسته اول مدل OCC را محاسبه می‌کند، متغیر «خوشایندی» است.

1. Ortony, Clore and Collins

خوشایندی مشخص می‌کند که یک رویداد تا چه میزان با اهداف کاربر مطابقت دارد. اولین دسته احساس‌های مدل OCC، احساس‌هایی هستند که نتیجه‌ای از وقوع رویدادها بر اساس خوشایند یا ناخوشایند بودن آن‌ها نسبت به هدف‌های کاربر را نشان می‌دهد. ذکر این نکته ضروری است که تمرکز این پژوهش بر استفاده از مدل OCC و در واقع، محاسبه متغیر خوشایندی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی کاربران است. در ادامه، برخی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که احساس و شخصیت را در محیط‌های آموزش الکترونیکی مورد استفاده قرار داده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲. پژوهش‌های پیشین

همان‌طور که اشاره شد، از آن رو که در دنیای واقعی، تأثیر احساس‌ها بر یادگیری یک جزء ضروری است، نادیده گرفتن آن‌ها در سیستم‌های آموزش الکترونیکی نقیصی بزرگ محسوب می‌شود (Al Masum & Ishizuka 2005). بنابراین، دانشمندان هوش مصنوعی در ساخت سیستم‌های آموزشی هوشمند همواره سعی داشته‌اند که وضعیت احساسی کاربر را در نظر بگیرند، و مطابق همان وضعیت با او رفتار نمایند. در این زمینه کارهایی انجام گرفته، اما هنوز یک مدل کامل که شخصیت، احساس و رابطه آن‌ها را در نظر بگیرد، ارائه نگردیده است (Kort and Reilly 2002). در ادامه، مهم‌ترین پژوهش‌های انجام گرفته تاکنون آمده است:

«کورت و ریلی» مدلی چرخشی ارائه نمودند که وضعیت احساسی یادگیرنده را تشخیص داده و بر اساس آن وضعیت، به وی پاسخ مناسب می‌داد (Kort and Reilly 2002). «مارین، هانگر و ورنر» نرم‌افزار Passenger را جهت آموزش الکترونیکی دروس آزمایشگاهی طراحی کرده‌اند. آن‌ها در پیاده‌سازی این نرم‌افزار از مدل احساسی OCC استفاده کرده‌اند (Marin, Hunger & Werner 2006). «آل معصوم و ایشیزوکا» یک مدل مکعبی^۱ احساسی را در محیط آموزش الکترونیکی ارائه داده‌اند. بر اساس سه بعد این مدل، هشت نوع احساس که در فرایند یادگیری تأثیرگذار هستند، استخراج می‌شوند (Al Masum & Ishizuka 2005). یک کارگزار^۲ نرم‌افزاری در سامانه یادگیری الکترونیکی پیشنهادی آن‌ها وجود دارد که نقش‌های گوناگونی را می‌پذیرد تا از طریق تعامل با کاربر، وی را به احساس رضایت

1. cube model

2. agent

برسانند. بعضی از مطالعه‌ها از روش طبقه‌بندی کننده بیزی^۱ برای پیش‌بینی و مدل‌سازی احساس یادگیرنده بر اساس ویژگی‌های جنسیت و شخصیت استفاده کرده‌اند. نتایج این مطالعه‌ها نشان داده که الگوریتم پیشنهادی می‌تواند واکنش احساسی یادگیرنده را با دقت ۶۳ درصد به‌درستی پیش‌بینی کند (Chaffar, Cepeda & Frasson 2007; Chaffar and Frasson 2004). «زاینجی» و همکارانش یک مدل خود-ارزیاب ارائه داده‌اند که یادگیرنده بر اساس درکی که از احساس‌های خود دارد، حالت احساسی‌اش را بر روی نقشه احساساتی که سیستم به او نمایش می‌دهد، پیدا کرده و سپس، یادگیرنده را از وضعیت احساسی و یادگیری‌اش مطلع می‌سازد و به سیستم اعلام می‌کند (Xiangjie et al. 2006). این سیستم از یک مدل قطبی برای تعیین احساس‌ها استفاده می‌کند و پس از درک وضعیت احساسی یادگیرنده، راهبردهایی از جمله تشویق به یادگیرنده پیشنهاد داده می‌شود. در سال ۲۰۱۰، محققان «دانشگاه مونترال» تأثیر توجه به احساس در سیستم‌های آموزشی هوشمند را در قالب یادگیری لغات زبان انگلیسی بررسی نمودند. نتایج این پژوهش نشان داد که با القای احساس‌ها در طول فرایند یادگیری، سطح یادگیری ۸۶ درصد از یادگیرندگان مبتدی، به سطح متوسط یا پیشرفته تغییر کرده است (Ghali and Frasson, 2010). در سال ۲۰۱۰، کارگزار هوشمند احساسی برای یادگیرندگان دارای اختلال بیش‌فعالی و کمبود توجه طراحی شد. این کارگزار طراحی شده مطابق با رفتار کاربر و وضعیت احساسی او با وی تعامل می‌کند. نتایج نشان داد که ۶۷ درصد کاربران با حضور کارگزار احساسی موافق‌اند و ۶۶ درصد آن‌ها اعلام کردند که کارگزار احساسی به آن‌ها در انجام موفقیت‌آمیز کارهایشان کمک کرده است و حضور وی باعث تمرکز بیشتر آن‌ها روی مطالب درسی شده است. همچنین، کلیه کاربران معتقد بودند که کارگزار هوشمند احساسی روال یادگیری را لذت‌بخش کرده است (Chatzara, Karagiannidis & Stamatis 2010). در سال ۲۰۱۱، «لیو» و همکارانش یک چارچوب تشخیص احساس ارائه کردند که قادر به تخمین وضعیت احساسی فرد به‌واسطه تحلیل و ترکیب مجموعه‌ای از عوامل از جمله صوت و تصویر چهره است. نتایج تجربی این پژوهش نشان داد که چارچوب تشخیص احساس می‌تواند به‌صورت خودکار، وضعیت‌های احساسی کاربر را تشخیص دهد. نتایج همچنین نشان داد که توجه به چندین متغیر اطلاعاتی مثل لحن صدا و حالات چهره می‌تواند فرایند تشخیص احساس را بهتر

1. Bayes

نمایند (Liu et al. 2011).

در سال‌های اخیر، مدل‌های ترکیبی شخصیت و احساس ارائه شده‌اند که بخشی از آن‌ها به‌طور خاص در محیط‌های آموزش الکترونیکی پیاده‌سازی شده‌اند. در سال ۲۰۰۴، از روش طبقه‌بندی کننده «بیز» جهت پیشگویی وضعیت احساسی بهینه یادگیرنده بر اساس شخصیتش استفاده شده است. هدف این پژوهش، تعیین وضعیت احساسی بهینه یادگیری و القای آن وضعیت به یادگیرنده است (Chaffar and Frasson 2004). منظور از وضعیت احساسی بهینه وضعیتی است که کارایی یادگیرنده را افزایش می‌دهد و جهت القای آن از تکنیک‌های ترکیبی شامل تصاویر و موسیقی استفاده می‌شود. در پژوهشی دیگر، «چافن، چافار و فراسون» کارگزار هوشمندی را طراحی کردند که قادر به پیش‌بینی واکنش احساسی یادگیرنده بر اساس مدل احساسی OCC در محیط آموزش الکترونیکی است. پیش‌بینی کارگزار بر اساس ویژگی‌هایی شامل جنسیت، شخصیت، نمره قبولی و نمره پیش‌بینی شده با استفاده از تکنیک یادگیری ماشین انجام می‌گیرد (Chalfoun, Chaffar & Frasson 2006). «فتاحی» و همکارانش در چند پژوهش دو کارگزار هوشمند آموزگار و همکلاسی مجازی را طراحی کرده‌اند. کارگزار آموزگار دارای ویژگی‌های احساسی و کارگزار همکلاسی دارای ویژگی‌های شخصیتی است. برای احساس از مدل OCC و برای شخصیت از مدل MBTI استفاده شده است. نتایج نشان داد که سیستم آموزشی بهره‌مند از کارگزارهای هوشمند دارای شخصیت و احساس نسبت به سیستم دارای احساس و نسبت به سیستم بدون احساس و شخصیت، کاربران را بیشتر جلب می‌کند و رضایت کاربران بیشتر است (Fatahi and Ghasem-Aghaee 2010a; Fatahi and Ghasem-Aghaee 2010b; Fatahi, Kazemifard & Ghasem-Aghaee 2009; Fatahi, Ghasem-Aghaee & Kazemifard 2008; Ghasem-Aghaee, Fatahi & Ören 2008). در مجموع، پژوهش‌های پیشین این بخش بر ارائه مدل‌های احساسی و یا مدل‌های ترکیب شخصیت و احساس در محیط‌های آموزش الکترونیکی اشاره دارند. پژوهش‌هایی که از احساس در محیط‌های یادگیری الکترونیکی استفاده کرده‌اند، هدفشان تنها افزایش رضایت یادگیرنده و نرخ یادگیری بوده است. در برخی از آن‌ها به استفاده از کارگزارهای هوشمند مصنوعی دارای احساس اشاره شده و در تعداد کمی به تشخیص وضعیت احساسی کاربر اشاره شده است. در مواردی که هدف، تشخیص وضعیت احساسی کاربر بوده، استفاده از ویژگی‌هایی همچون صوت و چهره کاربر مورد نظر پژوهش بوده است. در پژوهش‌هایی که ترکیب شخصیت و احساس مورد

نظر بوده، در تعدادی از آن‌ها هدف، طراحی و پیاده‌سازی کارگزارهای هوشمند مصنوعی دارای ویژگی‌های احساسی و شخصیتی است تا محیط یادگیری جذاب‌تر گردد. در برخی از آن‌ها هدف، پیش‌بینی وضعیت احساسی کاربر بر اساس ویژگی‌های شخصیتی است. آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های انجام‌شده در این بخش متمایز می‌سازد، ارزیابی مدلی محاسباتی جهت پیش‌بینی احساس بر اساس رویدادهای محیط یادگیری، اهداف یادگیرنده و ویژگی‌های شخصیتی وی در یک محیط آموزش الکترونیکی است. قابل توجه است که در هیچ‌یک از کارهای ارائه‌شده، رابطه بین شخصیت و احساس در محاسبه میزان احساس در نظر گرفته نشده است. همچنین، به دلیل مشکلات استفاده از میکروفون و دوربین، همچون عدم حفظ حریم خصوصی کاربران و ایجاد هزینه، تعیین احساس بر اساس تعاملات رفتاری و لاگ‌های رفتاری کاربر مد نظر این پژوهش است.

۳. روش پژوهش

از آنجا که هدف پژوهش حاضر ارزیابی کارایی مدل تشخیص وضعیت کاربر بر اساس عوامل روان‌شناسی شامل شخصیت و احساس در محیط‌های آموزش الکترونیکی است، لازم است به‌طور مختصر این مدل شرح داده شود. در سال ۲۰۱۶، مدلی محاسباتی ارائه شد که بر اساس آن میزان خوشایندی جهت محاسبه احساس قابل محاسبه است. این مدل، بر اساس مقادیر بُعد شخصیت افراد، هدف‌های کاربر بر اساس شخصیت، نوع رویدادهای محیطی و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر افراد با شخصیت‌های گوناگون، مقدار خوشایندی را با دقت قابل قبولی پیش‌بینی می‌کند (Fatahi and Moradi 2016). قابل ذکر است که پایه طراحی چارچوب پیشنهادی، نظریه‌ها و مراجع روان‌شناسی است (Rosa and Dorea 2012; Eysenck, 1992; El Jed Mehdi, Julie & Bernard 2004; Joo, Yeon & Lee 2012). شرح کامل مدل و نحوه عملکرد آن در (Fatahi and Moradi (2016) قابل مطالعه است. مدل پیشنهادی در دو محیط شبیه‌سازی و واقعی مورد آزمایش قرار گرفت. نرخ درستی پیش‌بینی در تعیین متغیر خوشایندی مؤلفه احساس با داده‌های شبیه‌ساز برای ۱۶ نوع شخصیتی مدل MBTI محاسبه شد. این نرخ بین ۸۷ درصد تا ۹۱ درصد به‌دست آمد. بنابراین، مدل محاسباتی جهت محاسبه متغیر خوشایندی که برای محاسبه احساس‌های مدل OCC مورد استفاده است، بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، هدف‌های کاربر و نوع رویدادها با داده‌های کافی مورد آموزش قرار گرفته و نرخ درستی پیش‌بینی خوشایندی را

با مقدار قابل قبولی ارائه می‌کند (Fatahi and Moradi 2016). حال، پژوهش حاضر با تکیه

بر (Fatahi and Moradi (2016)، دو سؤال را مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. آیا آزمایش مدل خوشایندی در محیط آموزش الکترونیکی با زمینه‌های گوناگون آموزشی قابلیت تعمیم دارد؟ به بیان دیگر آیا مدل تعیین احساس و یا در واقع، میزان خوشایندی را می‌توان در محیط‌های گوناگون آموزشی به کار گرفت و قابلیت کاربردپذیری برای این مدل با محتواهای گوناگون آموزشی وجود دارد یا خیر؟
۲. ارزیابی کارایی مدل خوشایندی بر اساس شخصیت چگونه است؟ به بیان دیگر، آیا به کارگیری مدل‌هایی که توانایی تشخیص احساس کاربر را بر اساس شخصیت داشته باشند، تأثیری بر رضایت و میزان یادگیری کاربران دارد؟

جهت پاسخ به سؤال اول پژوهش، دو سامانه آموزش مفاهیم دودویی درس «مبانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی» و «آموزش لغات زبان انگلیسی» طراحی و پیاده‌سازی شد. در نظام آموزش مفاهیم دودویی درس «مبانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی»، در بخش نخست، بر اساس پرسشنامه MBTI، نوع شخصیت کاربران مشخص و به آن‌ها گزارش می‌شود. سپس، محتوای آموزشی جمع و تفریق دودویی به آن‌ها آموزش داده می‌شود. نمونه‌ای از فضای کلاس آموزشی الکترونیکی در شکل ۱، آمده است. سپس، ۵ سؤال چهارگزینه‌ای به کاربران ارائه می‌شود و بر اساس مدل محاسباتی (Fatahi and Moradi (2016)، که در این سامانه پیاده‌سازی شده، میزان خوشایندی کاربران پیش‌بینی می‌شود. قابل ذکر است که در طول مسیر پاسخگویی به سؤالات امکان خاتمه آزمون و درخواست راهنمایی برای کاربران مهیاست.

پژوهش‌های
پودمان‌های
مدیریت
اطلاعات
رتال جامع علوم انسانی

Welcome ali

عنوان درس: جمع و تفريق اعداد يائزى

جمع نو عدد يائزى مختلف جمع نو عدد يائزى (بعضى) يا جمع از راست به چپ و متوالى به سمتون اعاد مى گيرد. اگر جمع نو مقدار باعث اعاد رقم القابى گردد، آن رقم به سمتون بعدى منتقل چپ اضافه مى گردد. نگاه نماز توجه اين است كه ALU مى داند كه نو نگاه يوت هاى كه جمع مى كند چه مقدارى را نشان مى دهد. ALU فقط اين نو عدد را بدون توجه به مقدارى نمايش داده شده توسط اين نو نگاه يوت جمع مى كند. لذا عنوان ساده خواهد بود. اگر نمايش عدد نگاه اين نگاه كه توجه جمع توسط ALU خوانده نمايش عدد نگاه ملاك نو نگاه نمايش خوانده ولى يك عدد داخل خود جمع كرد، توجه بجز عمل جمع صرف نموده. به بيان ديگر اگر ورودى به ALU اعاد A و A باشد، خروجى ALU به 00000 باشد. ديدن منظور روى نمايش مكملى 2 خوانده نگاه اين نگاه يك عدد يا مقدار خود جمع كرد، عدد خروجى مكملى صفر نو نمايش مكملى نو مى باشد.

مثال عدد: 01011 نمايش عدد 5 + 5 است. 11011 نمايش عدد 3- ميماند كه جمع اين نو مكملى صفر مى گويد.

نگاه توجه بخار به نمايش 1- و 0- 00000 و خروجى است. نگاه بدهد: اعاد 1- يا نمايش مكملى نو 00001- را يا 1- يا نمايش مكملى نو 11111- جمع مى كويد. حاصل 00000- مى باشد. ولى اين نگاه يوت القابى هم توجه اين عمل نو القابى است. توجه بفرمان ريد: اين نگاه القابى توجه اين جمع ندارد، ولى جمع 1- و 0- با 00000- كرد، به 100000- نا نگاه القابى نو نظر گرفته مى شود. نو واقع شده القابى بسمت چپ نو مكملى نو ني نگاه يوت و حضور، ديدن رابطه مى گويد.

مثال: نمايش مكملى نو عدد 13- چيست؟

- فرض كنيد A مساوى 13+ است. لذا نمايش بجز آن نمايش 01101 ميماند.
- مكملى نو عدد يا مكملى A مساوى 10010 مى باشد.
- با اضافه كردن 1 مكملى نو اين بسمت مى گويد بجز 10011.
- بران نگاه مكملى نمايش عدد مى گويد 13 را يا 13- جمع نموده.

01101
10011

00000

شكل ۱. نمونه‌ای از کلاس آموزشی الکترونیکی درس «مبانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی»

در سامانه «آموزش لغات زبان انگلیسی»، در بخش نخست، بر اساس پرسشنامه MBTI، نوع شخصیت کاربران مشخص و به آن‌ها گزارش می‌شود. سپس، سطح دانش زبانی کاربران بر اساس آزمون استاندارد «آکسفورد» از طریق ۲۰ سؤال چهارگزینه‌ای سنجیده می‌شود و کاربران بر اساس تعداد پاسخ صحیح در ۶ سطح ابتدایی، پیش-متوسط، متوسط، بالای متوسط، پیشرفته و ماهر تقسیم‌بندی می‌شوند. با توجه به سطح دانش زبانی، یک رتبه‌بندی نیز برای هر کاربر در نظر گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، کاربری که در گروه متوسط قرار دارد، بین شرکت‌کنندگان در آزمون در رتبه ۱۱۶ قرار دارد. از این رتبه بعداً به‌عنوان پارامتری در تحریک انگیزه کاربر استفاده می‌شود. سپس، ۱۲ لغت از لغاتی که برای اکثر کاربران در مرحله نخست دشوار تشخیص داده شده بود، همراه با تصویر و معانی مترادف به کاربران آموزش داده می‌شود (شکل ۲). پس از آموزش لغات، ۵ سؤال چهارگزینه‌ای مطرح می‌شود و در نهایت، میزان خوشایندی کاربران پیش‌بینی می‌شود. در طول مسیر پاسخگویی به سؤالات امکان خاتمه آزمون و درخواست راهنمایی برای کاربران مهیاست (شکل ۳). نتایج به‌دست‌آمده از ارزیابی محیط آموزش الکترونیکی در پیش‌بینی میزان خوشایندی کاربران با زمینه‌های گوناگون آموزشی در دو محیط آموزش مطالب کامپیوتری و لغات زبان انگلیسی در بخش نتایج و تحلیل به‌طور مفصل آمده است. جهت پاسخ به سؤال دوم پژوهش، یک سامانه «آموزش لغات زبان انگلیسی» در دو نسخه ساده و هوشمند طراحی و پیاده‌سازی شده است و به‌دلیل این که تعداد قابل توجهی از داده‌ها مربوط به افراد با نوع شخصیتی ISTJ است، فقط این سامانه توسط این

افراد مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این گام از پژوهش، از آنجا که هدف ارزیابی مدل خوشایندی و پاسخ به این سؤال است که آیا به کارگیری مدل‌هایی که توانایی تشخیص احساس کاربر را بر اساس شخصیت داشته باشند تأثیری بر رضایت و میزان یادگیری کاربران دارد یا خیر، کاربران به دو گروه تقسیم شده‌اند. به نیمی از آن‌ها سامانه آموزشی ساده و به نیمی دیگر سامانه آموزشی هوشمند ارائه شده است. در سامانه آموزشی هوشمند در انتهای جلسه آموزشی، میزان خوشایندی افراد بر اساس رویدادهایی که در محیط آموزشی اتفاق افتاده، تعیین می‌شود و متناسب با میزان خوشایندی کاربر، راهبردهایی در ارتباط با وی در نظر گرفته می‌شود. این روش‌ها شامل تشویق‌های کلامی، ترغیب کاربر به رقابت با سایر کاربران و ایجاد انگیزه در آن‌ها برای شرکت مجدد در کلاس آموزشی است (شکل ۴). در پایان، پرسشنامه‌ای (پیوست ۲) به هر دو گروه کاربران داده شد تا سامانه هوشمندی که میزان خوشایندی را به صورت خودکار تشخیص می‌دهد در مقایسه با سامانه آموزشی ساده قرار گیرد.



Object


Object
(intransitive) to feel or say that you oppose or disapprove of something
Example If no one objects, I would like Mrs. Harrison to be present.
Example Robson strongly objected to the terms of the contract.
I object (used in formal arguments, for example in a court of law)
Example Mr. Chairman, I object. That is an unfair allegation.
(transitive) to state a fact or opinion as a reason for opposing or disapproving of something
Object that
Example The group objected that the policy would prevent patients from receiving the best treatment.




Go over

EXAMINE
Go over something
To search or examine something very carefully:
Example In the competition, the judge goes over each dog and assesses it.
REPEAT
Go over something
To repeat something in order to explain it or make sure it is correct:
Example Once again, I went over exactly what I needed to say.

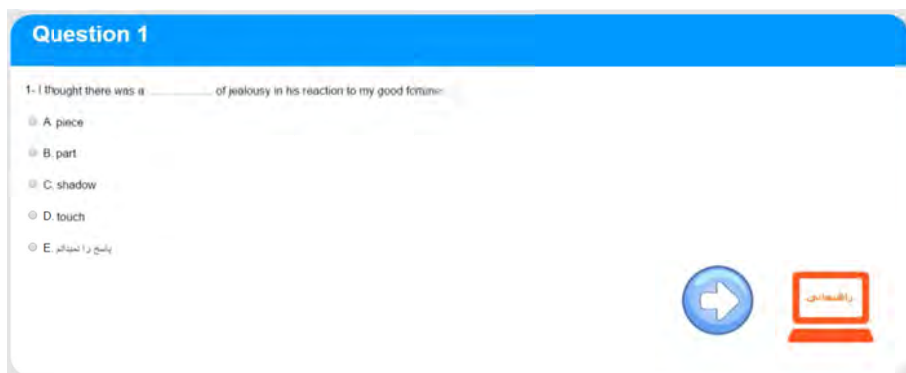
Draw

PICTURE
(intransitive and transitive) to produce a picture of something using a pencil, pen etc.
Example She asked the little girl to draw a picture of the man she's spoken to.
ATTRACT
(transitive) to attract someone or make them want to do something
Draw somebody to something
Example What first drew you to teaching?
MOVE
(intransitive always a adverbial phrase) to move in a particular direction:
Example She drew away, but he pulled her close again.



شکل ۲. نمونه‌ای از آموزش لغات زبان انگلیسی در محیط آموزش الکترونیکی



شکل ۳. نمونه‌ای از سؤالات آموزش لغات زبان انگلیسی در محیط آموزش الکترونیکی



شکل ۴. نمونه‌ای از روش‌های تعامل نظام هوشمند آموزش لغات زبان انگلیسی

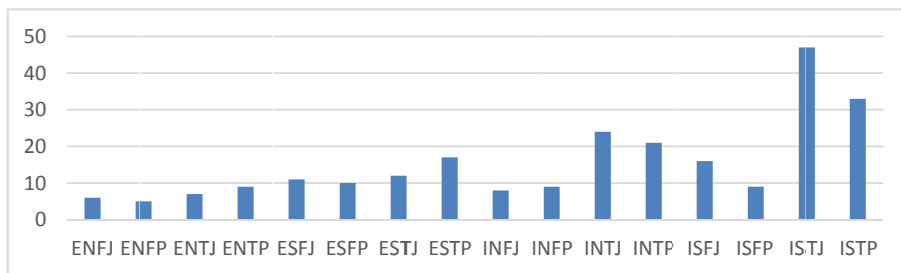
۳-۱. جمع‌آوری مجموعه داده

جهت ارزیابی مدل، در سامانه آموزش مفاهیم دودویی درس «بانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی»، ۲۰۲ دانشجوی سال اول رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه تهران به‌طور تصادفی انتخاب و در آزمایش شرکت کردند که از این بین، تعداد ۱۵۳ دانشجو پرسشنامه MBTI را تکمیل کردند و از این تعداد، داده‌های ۱۳۱ نفر معتبر تشخیص داده شد. توزیع نوع‌های شخصیتی کاربران بر اساس این پرسشنامه در شکل ۵، آمده است. جهت ارزیابی مدل در سامانه «آموزش لغات زبان انگلیسی»، ۲۴۴ نفر به‌صورت تصادفی با میانگین سنی

۲۵ سال و بازه سنی ۱۳ تا ۵۵ سال در آزمایش شرکت کردند. توزیع نوع‌های شخصیتی کاربران بر اساس پرسشنامه MBTI در شکل ۶، آمده است. همان‌طور که شکل ۵ و ۶، نشان می‌دهند، اکثر کاربران در هر دو گروه آزمایش، دارای شخصیت ISTJ هستند. لذا، نتایج درستی پیش‌بینی خوشایندی بر روی این نوع شخصیت ارائه شده است. در بخش دوم ارزیابی، یعنی مقایسه نظام ساده و هوشمند نیز، به دلیل محدودیت و مشکلات در جمع‌آوری داده، تنها کاربرانی انتخاب شدند که رایج‌ترین نوع شخصیتی را در بین کاربران داشتند. این بود که مرحله دوم آزمایش تنها بر روی گروهی از افراد با نوع شخصیتی ISTJ اجرا شد. بخش ارزیابی کارایی مؤلفه احساس، بر روی ۴۴ کاربر با نوع شخصیتی ISTJ انجام شد. این افراد به دو گروه کاملاً مساوی از لحاظ سنی، تحصیلاتی و سطح دانش زبانی تقسیم شدند. به یک گروه از افراد نسخه ساده سامانه آموزش لغات زبان انگلیسی و به گروه دیگر نسخه هوشمند این سامانه ارائه شد. در بخش ساده ۱۵ نفر و در بخش هوشمند ۱۹ نفر از کاربران، یعنی حدود ۷۷ درصد آزمایش‌دهندگان در آزمایش مشارکت داشتند که از این تعداد، داده‌های ۳۰ نفر معتبر تشخیص داده شد. در واقع، تنها داده‌های ۳۰ نفر بود که جامع و کامل بود و تمامی مراحل آموزش و نظرسنجی را کامل انجام داده بودند و بدون ایراد بود.



شکل ۵. توزیع ۱۶ نوع شخصیتی بر روی داده‌های محیط آموزش درس مبانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی



شکل ۶. توزیع ۱۶ نوع شخصیتی بر روی داده‌های محیط آموزش لغات زبان

۴. نتایج و تحلیل آن‌ها

نتایج جهت پاسخ به سؤال اول پژوهش، برای دو محیط آموزشی با محتواهای گوناگون آموزشی در جدول ۱، گزارش شده است. نتایج جدول ۱، نشان می‌دهد که ارزیابی مدل در محیط‌های آموزشی با محتواهای آموزشی گوناگون نتایج تقریباً یکسانی ارائه می‌کند. لذا، مدل محاسباتی ارائه شده جهت محاسبه میزان خوشایندی با دقت قابل قبولی قابلیت تعمیم در محیط‌های آموزش الکترونیکی با محتواهای گوناگون آموزشی را دارد.

جدول ۱. نرخ درستی پیش‌بینی خوشایندی با داده‌های محیط واقعی برای شخصیت ISTJ

محیط پیاده‌سازی	درصد صحت پیش‌بینی خوشایندی
مفاهیم دودویی در درس مبانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی	۷۴/۳۲
آموزش لغات زبان انگلیسی	۷۶/۲۷
ادغام داده‌های هر دو محیط آموزشی	۷۵/۳۵

جهت پاسخ به سؤال دوم پژوهش و پس از ارزیابی دو سامانه ساده و هوشمند، در انتهای آزمایش جهت تعیین کارایی و مقایسه سامانه‌ها، پرسشنامه‌ای در اختیار کاربران قرار داده شد. نتایج مقایسه دو سامانه بر اساس پنج معیار میزان جذابیت، میزان نزدیکی به ویژگی‌های شخصیتی، میزان درک وضعیت احساسی، میزان واکنش صحیح سامانه و مفید بودن محیط در بهبود یادگیری در ادامه آمده است:

◇ میزان جذابیت: جذابیت، یکی از عامل‌های اساسی در جذب کاربران به نظام‌های آموزشی است. هر چه محیط آموزشی جذاب‌تر باشد، کاربران تمایل بیشتری به

استفاده از محیط آموزشی دارند. نتایج نظرسنجی کاربران در شکل ۷، نشان می‌دهد که کاربران، سامانه ساده را ۲۰ درصد و سامانه هوشمند را ۲۲ درصد جذاب می‌دانند؛ با این که میزان جذابیت سامانه هوشمند بالاتر از سامانه ساده است، اما همچنان هر دو سامانه نیاز دارند که با اضافه کردن ویژگی‌هایی به واسطه کاربری خود، میزان جذابیت آن را افزایش دهند.

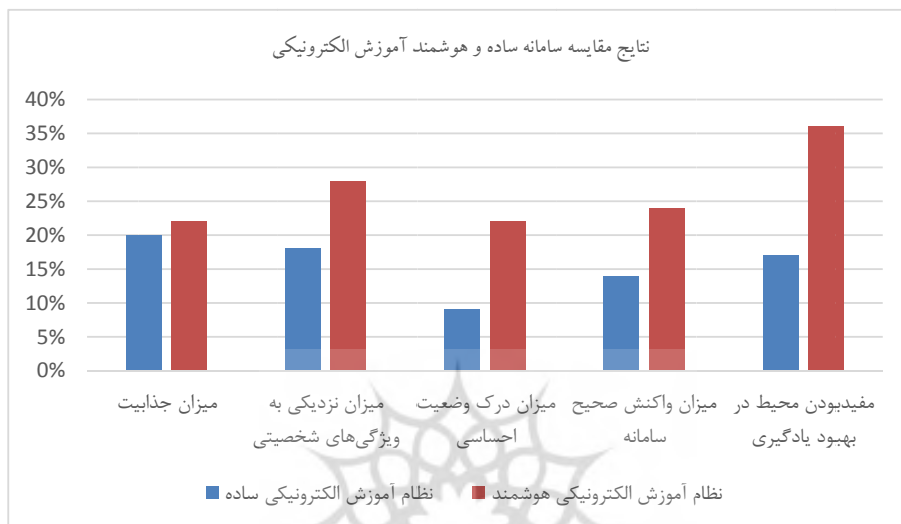
◇ میزان نزدیکی به ویژگی‌های شخصی: در طراحی سامانه هوشمند نسبت به سامانه ساده سعی شده بود ویژگی‌های شخصی افراد در ارائه روش‌های تعاملی سامانه به آن‌ها در نظر گرفته شود. هدف این بود که کاربران بتوانند احساس نزدیکی بیشتری به سامانه داشته باشند و احساس کنند سامانه برای آن‌ها شخصی‌سازی شده است و در نتیجه، با علاقه بیشتری به کار با سامانه ادامه دهند. نتایج نظرسنجی کاربران در شکل ۷، نشان می‌دهد که کاربران سامانه ساده را ۱۸ درصد و سامانه هوشمند را ۲۸ درصد نزدیک به ویژگی‌های شخصی‌شان می‌دانند.

◇ میزان درک وضعیت احساسی: تمام تلاش این پژوهش بر طراحی مدلی بود که بتواند با در نظر گرفتن عامل‌های تأثیرگذار در تعیین احساس، آن را با دقت قابل قبولی تشخیص دهد. دو نظام ساده و هوشمند یادگیری لغات زبان انگلیسی از دیدگاه کاربران مورد مقایسه قرار گرفتند و نتایج نظرسنجی کاربران درباره میزان درک وضعیت احساسی آن‌ها در زمان کار با نظام در شکل ۷، آمده است. نتایج نشان می‌دهد که کاربران سامانه ساده آموزش لغات زبان انگلیسی را ۹ درصد و سامانه هوشمند را ۲۲ درصد قابل قبول می‌دانند. تفاوت قابل توجه بین دو سامانه نشان‌دهنده این است که سامانه هوشمند به خوبی توانسته است وضعیت احساسی کاربران را به درستی تشخیص دهد.

◇ میزان واکنش صحیح سامانه آموزش الکترونیکی: زمانی که وضعیت احساسی کاربران با توجه به رویدادهای محیطی درک می‌شود، وظیفه یک سامانه هوشمند ارائه واکنش مناسب با توجه به وضعیت احساس فعلی کاربر است. نتایج در شکل ۷، نشان می‌دهد که کاربران سامانه ساده را ۱۴ درصد و سامانه هوشمند را ۲۴ درصد در ارائه واکنش صحیح با توجه به وضعیت احساسی کاربران موفق می‌دانند.

◇ مفید بودن محیط در بهبود یادگیری: نتایج نظرسنجی کاربران در شکل ۷، نشان می‌دهد که کاربران محیط یادگیری را که به ویژگی‌های شخصی و احساسی‌شان نزدیک‌تر

است، مفیدتر از یک سامانه ساده در بهبود فرایند یادگیری می‌دانند. نتایج شکل ۷، نشان می‌دهد که کاربران یک سامانه ساده را ۱۷ درصد و یک سامانه هوشمند را ۳۶ درصد در بهبود فرایند یادگیری مؤثر می‌دانند.



شکل ۷. نتایج نظرسنجی کاربران دو سامانه ساده و هوشمند آموزش الکترونیکی

۵. نتیجه‌گیری

پیش‌بینی وضعیت کاربران از لحاظ ویژگی‌های روان‌شناختی در تعامل با نظام‌های رایانه‌ای دارای اهمیت و در ارائه رفتار هوشمندانه از طرف نظام‌های رایانه‌ای بسیار مؤثر است.

پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته، بر ارائه مدل‌های احساسی و یا مدل‌های ترکیب شخصیت و احساس در محیط‌های آموزش الکترونیکی اشاره دارند. در اکثر این پژوهش‌ها، هدف، استفاده از کارگزارهای هوشمند مصنوعی دارای احساس و گاهی دارای احساس و شخصیت اشاره بوده است. در اکثر پژوهش‌های پیشین هدف این بوده است که رایانه، رفتار تعاملی بر اساس احساس و شخصیت ارائه دهد، اما این که ارائه این رفتار دارای احساس و شخصیت از طرف کارگزارهای هوشمند مصنوعی در راستای وضعیت احساسی و ویژگی‌های شخصی کاربر باشد، در نظر گرفته نشده است. از طرفی،

پژوهش‌های کمی هم وجود دارند که هدفشان تشخیص و پیشگویی وضعیت احساسی کاربران و ویژگی‌های شخصیتی آن‌هاست. با این حال، این دو مقوله نیز با یکدیگر در نظر گرفته نشده‌اند. آنچه پژوهش حاضر را با پژوهش‌های انجام‌شده تاکنون متمایز می‌سازد، تأکید بر درک رفتار کاربر، وضعیت احساس و ویژگی‌های شخصیتی وی است. همچنین، برای پیشگویی وضعیت احساسی کاربر از تأثیر ویژگی‌های شخصیتی وی نیز بهره گرفته شده است. بعد از این که وضعیت احساسی کاربر درک شد، سامانه آموزش الکترونیکی رفتار تعاملی صحیحی را با توجه به شرایط کاربر اتخاذ می‌نماید. هدف پژوهش حاضر ارزیابی این سامانه است که آیا می‌تواند وضعیت احساسی کاربر را در محیط‌های مختلف به درستی پیشگویی نماید و پس از پیشگویی احساس کاربر، رفتاری درخور وضعیت کاربر ارائه داده دهد که رضایت کاربر را در پی داشته باشد. نتایج نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی در تعیین متغیر خوشایندی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرها در تعیین احساس، با دقت قابل قبولی در محیط‌های گوناگون یادگیری الکترونیکی معتبر است. همچنین، کارایی مدل تعیین خوشایندی در دو سامانه ساده و هوشمند مورد بررسی قرار گرفته است. سامانه هوشمند سامانه‌ای است که در آن خوشایندی به‌صورت خودکار تشخیص داده می‌شود و متناسب با وضعیت خوشایندی کاربر، سامانه واکنشی را در خور وضعیت احساسی کاربر ارائه می‌کند. نتایج مقایسه دو سامانه هوشمند و ساده نشان داد که کاربران سامانه هوشمند را جذاب‌تر و نزدیک‌تر به ویژگی‌های شخصیتی‌شان می‌دانند. همچنین، آن‌ها تأیید کردند که سامانه هوشمند وضعیت احساسی آن‌ها را به‌خوبی درک کرده و متناسب با آن واکنش نشان داده است و این سامانه می‌تواند در بهبود فرایند یادگیری آن‌ها مؤثر واقع شود.

۶. پژوهش‌های آینده

خلق و خو، تأثیر به‌سزایی در مدل‌سازی و پیش‌بینی رفتار انسان دارد. همچنین، تحقیقات نشان می‌دهد که بین خلق و خو فرد و میزان یادگیری رابطه وجود دارد. به نظر می‌رسد که یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند در کارهای آتی در نظر گرفته شود، مدل‌سازی روابط بین خلق و خو با مؤلفه‌های شخصیت و احساس است.

از طرفی، با توجه به این که مدل OCC دارای سه شاخه و قابلیت تشخیص ۲۲ نوع احساس است، در این تحقیق تنها متغیر خوشایندی و ارتباط آن با ویژگی‌های شخصیتی

مدل شد. یکی از کارهایی که در آینده می‌توان انجام داد، به کارگیری سایر متغیرهای مدل OCC و تعیین احساس از دیگر شاخه‌های مدل است.

مدل پیشنهادی در این تحقیق در محیط‌های یادگیری الکترونیکی پیاده‌سازی و مورد ارزیابی قرار گرفت. در کارهای آتی می‌توان مدل پیشنهادی را در بسترهای دیگری همچون مذاکرات الکترونیکی، بازی‌های رایانه‌ای و رباتیک به کار گرفت.

در بخش ارزیابی کارایی مؤلفه احساس تنها داده‌های یک نوع شخصیتی از ۱۶ نوع شخصیتی MBTI مورد استفاده قرار گرفت. در پژوهش‌های بعدی می‌توان با جمع‌آوری داده‌های بیشتر، کارایی مدل را برای بازه گسترده‌تری از نوع‌های شخصیتی مورد بررسی قرار داد. در این پژوهش به دلیل محدودیت جمع‌آوری داده تنها شخصیت ISTJ مورد بررسی قرار گرفت. در حالی که با جمع‌آوری داده از تمام تیپ‌های شخصیتی می‌توان سامانه هوشمند را برای هر نوع شخصیتی مورد ارزیابی قرار داد.

یکی از چالش‌های بزرگی که در این تحقیق وجود داشت، جمع‌آوری داده از محیط واقعی بود. در این نوع تحقیقات به دلیل این که داده‌های مورد نیاز، به حضور کاربران، آن هم برای مدتی مشخص در زمان کار با سیستم‌های رایانه‌ای وابسته است، جمع‌آوری حجم زیاد داده جهت آموزش و آزمایش مدل بسیار مشکل است. در آینده با جمع‌آوری داده‌های بیشتر می‌توان دقت مدل تعیین خوشایندی را افزایش داد.

References

- Abrahamian, E., J. Weinberg, M. Grady, & C. M. Stanton. 2004. The effect of personality-aware computer-human interfaces on learning. *Journal of universal computer science* 10 (1): 27-37.
- Al Masum, S. M., & M. Ishizuka. 2005. An Affective Role Model of Software Agent for Effective Agent-based E-Learning by Interplaying between Emotions and Learning. In WEBIST, First International Conference on Web Information Systems and Technologies, Miami, USA (pp. 449-456).
- Chaffar, S., & C. Frasson. 2004. intelligent agent to improve the learner's performance. In *Proceedings of the Workshop on Social and Emotional Intelligence in Learning Environments in conjunction with Intelligent Tutoring Systems*.
- Chaffar, S., G. Cepeda, & C. Frasson. 2007. Predicting the Learner's Emotional Reaction towards the Tutor's Intervention. In *Advanced Learning Technologies, 2007. ICALT 2007. Seventh IEEE International Conference on Advanced Learning Technologies, Niigata, Japan* (pp. 639-641). IEEE.
- Chalfoun, P., S. Chaffar, & C. Frasson. 2006. Predicting the emotional reaction of the learner with a machine learning technique. In *Workshop on Motivational and Affective Issues in ITS, ITS'06, International Conference on Intelligent Tutoring Systems*. Jhongli, Taiwan
- Chatzara, K., C. Karagiannidis, & D. Stamatis. 2010. An intelligent emotional agent for students with attention deficit disorder. In *Intelligent Networking and Collaborative Systems (INCOS), 2010 2nd International Conference*. Thessaloniki, Greece (pp. 252-258). IEEE.
- Damasio, A. 1994. *Descartes' Error: Emotion, Reason, and the Human Brain*. New York: Gosset/ Putnam

Press.

- Dang, T. H. H., & D. Duhaut. 2009. Experimentation with GRACE, the generic model of emotions for computational applications. In *Aip conference proceedings* (Vol. 1107, No. 1, pp. 135-140). AIP. Tunisia.
- Dang, T. H. H., S. Letellier-Zarshenas, & D. Duhaut. 2008. GRACE-Generic robotic architecture to create emotions. In *11th International Conference on Climbing and Walking Robots and the Support Technologies for Mobile Machines-CLAWAR 2008*. Portugal.
- Durling, D., N. Cross, & J. Johnson. 1996. Personality and learning preferences of students in design and design-related disciplines. IDATER 1996 Conference, Loughborough: Loughborough University.
- Du, J., Q. Zheng, H. Li, & W. Yuan. 2005. The research of mining association rules between personality and behavior of learner under web-based learning environment. In ICWL, International Conference on Web-Based Learning (pp. 406-417).
- Egges, A., S. Kshirsagar, & N. Magnenat-Thalmann. 2004. Generic personality and emotion simulation for conversational agents. *Computer animation and virtual worlds* 15 (1): 1-13.
- El Jed Mehdi, P. N., D. Julie, & P. Bernard. 2004. Modelling character emotion in an interactive virtual environment. In *AISB 2004 convention, symposium on language, speech and gesture for expressive characters*. University of Leeds, UK.
- Eysenck, H. J. 1992. Four ways five factors are not basic. *Personality and individual differences* 13 (6): 667-673.
- Fatahi, S., & H. Moradi. 2016. A fuzzy cognitive map model to calculate a user's desirability based on personality in e-learning environments. *Computers in Human Behavior* 63: 272-281.
- Fatahi, S., & N. Ghasem-Aghaee. 2010. An effective intelligent educational model using agent with personality and emotional filters. In *Proceedings of the World Congress on Engineering* (Vol. 1, pp. 142-147). London, U.K.
- Fatahi, S., & N. Ghasem-Aghaee. 2010. Design and implementation of an intelligent educational model based on personality and Learner's emotion. *arXiv preprint arXiv:1004.1224*.
- Fatahi, S., H. Moradi, & L. Kashani-Vahid. 2016. A survey of personality and learning styles models applied in virtual environments with emphasis on e-learning environments. *Artificial Intelligence Review* 46 (3): 413-429.
- Fatahi, S., M. Kazemifard, & N. Ghasem-Aghaee. 2009. Design and implementation of an e-Learning model by considering learner's personality and emotions. *Advances in electrical engineering and computational science* 39423-434 :. Part of the Lecture Notes in Electrical Engineering book series (LNEE, volume 39).
- Fatahi, S., N. Ghasem-Aghaee, & M. Kazemifard. 2008. Design an expert system for Virtual Classmate Agent (VCA). In *Proceedings of the World Congress on Engineering* (Vol. 1).
- Ghali, R., & C. Frasson. 2010. Emotional strategies for vocabulary learning. In *Advanced Learning Technologies (ICALT), 2010 IEEE 10th International Conference on* (pp. 249-253). IEEE. Sousse, Tunisia.
- Ghasem-Aghaee, N., S. Fatahi, & T. I. Ören. 2008. Agents with personality and emotional filters for an e-learning environment. In *Proceedings of the 2008 Spring simulation multiconference* (p. 5). Society for Computer Simulation International.
- Hartmann, P. 2006. The Five-Factor Model: Psychometric, biological and practical perspectives. *Nordic Psychology* 58 (2): 150.
- Hedman, L., & P. Sharafi. 2004. Early use of internet-based educational resources: effects on students' engagement modes and flow experience. *Behaviour & information technology* 23 (2): 137-146.
- Higgs, M. 2001. Is there a relationship between the Myers-Briggs type indicator and emotional

- intelligence? *Journal of Managerial Psychology* 16 (7): 509-533.
- Jessee, S. A., P. N. O'Neill, & r. O. Dosch. 2006. Matching student personality types and learning preferences to teaching methodologies. *Journal of Dental Education* 70 (6): 644-651.
- Joo, H. J., B. Yeon, & K. U. Lee. 2012. The impact of personality traits on emotional responses to interpersonal stress. *Clinical Psychopharmacology and Neuroscience* 10 (1): 54.
- Karray, F., M. Alemzadeh, J. A. Saleh, & M. N. Arab. 2008. Human-computer interaction: Overview on state of the art. *International Journal on Smart Sensing and Intelligent Systems* 1 (1):137-159-January 2008.
- Kort, B., & R. Reilly. 2002. Analytical models of emotions, learning and relationships: towards an affect-sensitive cognitive machine. In *Conference on virtual worlds and simulation (VWSim 2002)*. Texas, USA.
- Kshirsagar, S. 2002. A multilayer personality model. In *Proceedings of the 2nd international symposium on Smart graphics* (pp. 107-115). ACM.
- Lewis, M., J. M. Haviland-Jones, & L. F. Barrett. (Eds.). 2010. *Handbook of emotions*. New York: Guilford Press.
- Li, Y. S., P. S. Chen, & S. J. Tsai. 2008. A comparison of the learning styles among different nursing programs in Taiwan: implications for nursing education. *Nurse education today* 28 (1): 70-76.
- Li, J., Z. Wang, & Y. Zhang. 2011. An implementation of artificial emotion based on fuzzy state machine. In *Intelligent Human-Machine Systems and Cybernetics (IHMSC), 2011 International Conference on* (Vol. 2, pp. 83-86). IEEE.
- Liu, X., L. Zhang, J. Yadegar, & N. Kamat. 2011. A robust multi-modal emotion recognition framework for intelligent tutoring systems. In *Advanced Learning Technologies (ICALT), 2011 11th IEEE International Conference on* (pp. 63-65). IEEE. [Online]. Available: <http://www.myersbriggs.org/my-mbti-personality-type/mbti-basics/>. (accessed 2016).
- Marin, B. F., A. Hunger, & S. Werner. 2006. Corroborating Emotion Theory with Role Theory and Agent Technology: a Framework for Designing Emotional Agents as Tutoring Entities. *JNW, Journal of Networks* 1 (4): 29-40.
- Meyer, D. K., & J. C. Turner. 2006. Re-conceptualizing emotion and motivation to learn in classroom contexts. *Educational Psychology Review* 18 (4): 377-390.
- Ortony, A., G. L. Clore, & A. Collins. 1990. *The cognitive structure of emotions*. UK.: Cambridge university press.
- Pittenger, D. J. 1993. Measuring the MBTI ... and coming up short. *Journal of Career Planning and Employment* 54 (1): 48-52.
- Santos, Ricardo, Goreti Marreiros, Carlos Ramos, José Neves, and José Bulas-Cruz. 2011. Personality, emotion, and mood in agent-based group decision making. *IEEE Intelligent Systems* 26 (6): 58-66.
- Schultz, D. P., & S. E. Schultz. 2016. *Theories of personality*. US.: Cengage Learning.
- Viscott, D. 1990. *The language of feelings*. US.: Pocket Books.
- Vinayagamoorthy, V., M. Gillies, A. Steed, E. Tanguy, X. Pan, C. Loscos, & M. Slater. 2006. Building expression into virtual characters. Vienna, Austria :Eurographics Association.
- Xiangjie, Q., W. Zhiliang, Y. Jun, & M. Xiuyan. 2006. An affective intelligent tutoring system based on artificial psychology. In *Innovative Computing, Information and Control, 2006. ICICIC'06. First International Conference on* (Vol. 3, pp. 402-405). IEEE.
- Yeung, A., J. Read, & S. Schmid. 2012. Students' learning styles and academic performance in first year chemistry. In *Proceedings of The Australian Conference on Science and Mathematics Education (formerly UniServe Science Conference)* (Vol. 11).
- Zeng, Z., M. Pantic, G. I. Roisman, & T. S. Huang. 2009. A survey of affect recognition methods:

Audio, visual, and spontaneous expressions. *IEEE transactions on pattern analysis and machine intelligence* 31 (1): 39-58.

هادی مرادی

متولد ۱۳۴۵ دارای مدرک دکتری در رشته مهندسی کامپیوتر، شاخه رباتیک و هوش مصنوعی از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی است. ایشان هم‌اکنون دانشیار گروه هوش ماشین و رباتیک دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر، دانشکده فنی، دانشگاه تهران است. سیستم‌های هوشمند، آموزش هوشمند و رباتیک از جمله علایق پژوهشی وی است.



سمیه فتاحی

متولد ۱۳۶۳ دارای مدرک دکتری در رشته مهندسی کامپیوتر، شاخه رباتیک و هوش مصنوعی از دانشگاه تهران است. ایشان هم‌اکنون استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است. زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه وی مدل‌سازی کاربر، داده کاوی، تحلیل کلان‌داده، تشخیص الگو، یادگیری الکترونیکی و یادگیری ماشین است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی